

پرونده هفته

تپش

ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم | ۵

چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۸۶

کارگر معادن

مای کشور بعد از جان باختن ۵۳ نفر در معدن طبس

افرادی در هیات مدیره یا در راس سازمان حضور دارند که فقط نگاه می کنند به این که به ازای هر تن زغال سنگ استخراج شده چند ریال هزینه کرده اند و این بخش برای شان مهم است. بسیاری از این مدیران دانش انسانی لازم برای مدیریت آن سازمان را ندارند و در این بخش، دستگاه های ذی ربط در هولدینگ ها و شرکت های سرمایه گذاری باید در سیاست گذاری ها و به کارگیری مدیران حاضر در هیات مدیره سازمان ها و شرکت های معدنی تجدیدنظر کنند. البته این مساله تنها مختص معادن نیست و شرایط شرکت های نفت و گاز، پتروشیمی، فولاد و سیمان نیز به همین منوال است. این اتفاق در حالی می افتد که در هیات مدیره هر شرکتی یک فرد متخصص از حوزه سلامت یا ایمنی یا حوزه اچ اس ای باید حضور داشته باشد. خاطرم هست ۲۰ سال پیش وقتی ساختار هیات مدیره شرکت نفتی بزرگی مثل شل را مطالعه می کردم، متوجه شدم از شش نفر اعضای هیات مدیره این شرکت، یک نفر متخصص محیط زیست و یک نفر متخصص سلامت بود. نکته جالب اینجا بود که رشته تحصیلی فرد متخصص سلامت پرستاری بود، ولی در هیات مدیره شرکت شل عضویت داشت. در هر صورت، ما در حوزه زیرساختی و از جایی که تصمیم سازی می کنیم، نیاز به بازنگری در برنامه هایمان داریم.

❏ در کشورهای دیگر اوضاع چطور است؟

در آلمان کسی بر صندلی هیات مدیره تکیه نمی زند، مگر این که ۲۰۰ ساعت آموزش تخصصی ایمنی و بهداشت کار را گذرانده باشد که سطح علمی این آموزش از مدرک فوق لیسانس بالاتر است. یعنی خود این فرد باید متخصص ایمنی و سلامت کار باشد تا در هیات مدیره فقط حضور داشته باشد. این در حالی است که در کشورمان برخی افرادی در جایگاه هیات مدیره ها قرار دارند که فقط از اقتصاد سر دریاورند. این مساله نیاز به بازنگری دارد و نهادهای اقتصادی، وزارتخانه های صنایع، نفت، کار و به ویژه دولت باید تصمیم درستی در خصوص این سیستم و حلقه بسته مدیران اقتصادی که هیچ فهمی از موضوعات انسانی ندارند و در حوزه های مدیریتی به کار گرفته می شوند، اتخاذ کنند. اگر بنا

بر توسعه است، تحقق و تکیه این توسعه بر بازوی کارگران ما است و بر همین اساس این تصمیم سازی ها باید تغییر کند.

بخش دیگر در حوزه زیرساخت، قوانین موجود است که به بخشی از قوانین کار اشاره می کنیم. ۴۰

سال پیش، در فصل چهارم قانون کار و ماده ۸۵ تا ۹۵، با این که ساختار حوزه ایمنی و بهداشت کاملاً مشخص شده اما به دلیل ضعف های موجود باید مورد بازنگری مجدد قرار گیرد.

در بخش بازرسی کار، ماده ۹۶ تا ۱۰۶ بر بازرسی های دولتی تاکید دارد اما دو فصل دیگر قانون کار معطل است و در واقع تعطیل کرده ایم. در فصل ششم، ظرفیت قابل توجهی برای ایجاد تشکلهای کارگری و کارفرمایی دیده می شود و همچنین در فصل هفتم قانون کار، قابلیت ایجاد گفتمان وجود دارد تا زیرساخت های اجتماعی لازم بین کارگر و کارفرما یا سرمایه گذار و کارفرما و کارگر ایجاد شود؛ اما در حال حاضر، این سه جانبه گرایی میان دولت، که وزارت کار مسئول آن است، تعطیل شده است. وقتی در عمل دو فصل قانون کار به تعطیلی کشانده شده، دیگر امکان مذاکره، مشارکت جویی، مشارکت کارگران و امکان ایجاد زیرساخت اجتماعی برای توسعه ایمن و بهداشت مسدود شده است. حالا با در نظر گرفتن یک سری دلایل سیاسی و کجروی هایی که در حوزه تشکلهای کارگری اتفاق افتاده است، ولی آیا نیاز بود آن را مسدود کنیم؟ اما این کار انجام شده است و با این روند نمی توان انتظار مذاکره و ایجاد تشکل را داشت. در چنین شرایطی، جامعه کارگری به قدری در محیط کار تضعیف می شود که قادر نخواهد بود برای تامین سلامت خودش از کارفرما خواسته های داشته باشد. این بخشی است که در حوزه زیرساخت باید به آن فکر کرد و اصلاحش کرد.

بخش دیگر برای بهبود ایمنی و بهداشت کار، فرهنگ و جو ایمنی است. فرهنگ و جو ایمنی اتمسفری است که در آن زندگی می کنیم. در حال حاضر این جو بنا به دلایلی، فضایی را ایجاد نمی کند که کسی به موضوعات بیشتر فکر کند. هرم مازلو را در نظر بگیرید. سطح پایینی هرم مازلو، شرط زنده ماندن فرد است. کارگری که حاضر است برای ۱۰-۱۲ میلیون تومان یا عددی شبیه به این، در عمق ۲۰۰ یا ۳۰۰ متری زمین و در شرایط سخت کار کند، در واقع این شخص در انتهای هرم مازلو گرفتار شده است و با این روند دیگر قادر نخواهد بود در مورد موضوعات دیگر احتیاجاتش شامل تامین ایمنی و حفظ جاننش صحبت کند. وقتی حقوق و دستمزد کارگر را در قالبی قرار داده ایم که هیچ تشکلی ندارد تا در مورد آن با کارفرمایش مذاکره کند، در چنین شرایطی به اندازه ای به او پرداخت می کنیم که از گرسنگی تلف نشود. با این شرایط مشخص است که دیگر نمی تواند خواسته دیگری داشته باشد، از جمله برای ایمنی. از نظر من، وقوع این حوادث شغلی و کاری فقط یک اتفاق فنی نیست، بلکه یک پدیده اجتماعی است. در ۲۰-۳۰ سال گذشته اتفاقات فراوانی ما را به سمت پذیرش بسیاری از مسائل و چالش های حوزه کارگری سوق داده است. مدیران پذیرفته اند، جامعه کارگری پذیرفته و مردم هم پذیرفته اند. حادثه ای در این حوزه رخ دهد، همه چند روز ناراحت هستند و بعد موضوع به فراموشی سپرده می شود. مثل زمستان یورت، معدن فاریاب و بسیاری حوادث دیگر. این ها همه به این دلیل است که وضعیت اجتماعی نظام کارگری و روابط کارگری از هم پاشیده و این فروپاشی

اقتصادی و اجتماعی ما

را به اینجا رسانده است. باید

تعارف را کنار بگذاریم. هیچ بهبودی رخ

نخواهد داد مگر این که گشایشی در روابط کار ایجاد

شود. معتقدم روابط کار در محیط کار حتی بر بستر همین قانون

کار فعلی باید گشایش پیدا کند. با ایجاد چنین گشایشی، هدایت آن و طرح

خواسته های مناسب و درست و پیگیری آن در حوزه صنفی، می توانیم شاهد شروع

اتفاقات خوبی در زمینه ایمنی در محل های کار هم باشیم.

❏ دولت چه وظیفه ای در قبال جلوگیری یا کاهش حوادث معدن و تامین امنیت کارگران دارد؟

علی الظاهر، نهادی که باید این کار را انجام دهد وزارت کار است و در کنار آن دستگاه هایی شامل وزارت صنایع و دیگران باید وارد عمل شوند. سازمان بین المللی کار (ILO) کنوانسیون های مختلفی را برای کشورهای عضو این سازمان که ایران هم عضو آن است، صادر کرده است. یکی از آخرین توصیه هایی که خرداد سال ۱۴۰۱ (ژوئن ۲۰۲۲) انجام شد این بود که سلامت و ایمنی را جزو حقوق بشر در محل کار بدانیم و انجام برنامه محل های کار سالم و ایمن را توصیه کرد. با وجود این که ایران عضو این سازمان است اما تا این لحظه که دو سال از تصویب کنوانسیون ILO ۱۹۱ می گذرد، هنوز هیچ اقدام مؤثری از سوی وزارت کار به عنوان نهاد متولی انجام نشده است. این در حالی است که وزارت کار باید پیشگام در اجرای کنوانسیون ها و اجرای رویکردهای بین المللی باشد. ما جزیره ای در نظام اقتصادی جهانی نیستیم و بخشی از جامعه بین المللی هستیم و بر همین اساس باید بتوانیم این کنوانسیون ها و رویکردها را با فراهم کردن زیرساخت و فضای مورد نیاز اجرا کنیم. انتظار می رود که در وهله اول خود وزارت کار و سپس سایر مراکز متولی ایمنی مانند بازرسی کار، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت کار، معاونت روابط کار و تشکلهای کارگری همه باید در حوزه ایمنی فعال تر عمل کنند. تصور می کنم می توان از اینجا شروع کرد و سایر دستگاه ها را نیز به آن سمت سوق داد. اگر هیچ حرکتی نکنیم، روزانه شاهد اتفاقات بیشتری خواهیم بود که امروزه تا این حد برای مان عادی شده است. به عنوان فردی که در حوزه ایمنی و بهداشت فعالیت می کنم هرروزه منتظرم که اتفاق جدیدی مانند آنچه در پلاسکو و زمستان یورت اتفاق افتاد، دوباره رخ دهد که شایسته کشور و مردمان نیست و نیاز به یک عزم جزم و جدی دارد تا مشکلات حوزه ایمنی کشور و پیش از همه معادن کشور مرتفع شود.